

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

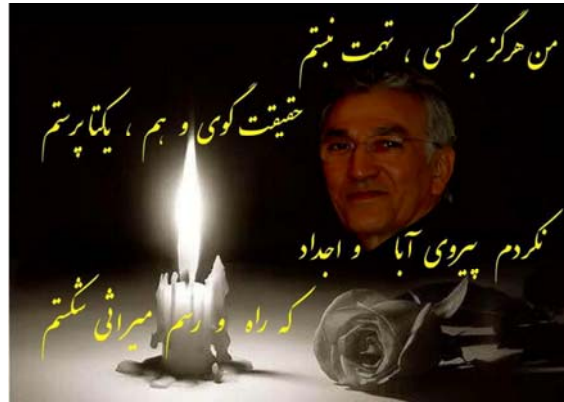
سیاسی

به پاسخ شاعر شیرین کلام جناب نعمت الله مختار زاده سروده شد

قیوم بشیر هروی

فرستنده: نعمت الله مختار زاده

۰۶ مارچ ۲۰۱۹



الماس نما

ای دوستی که زنده به لطف خداستی
از سوز و ساز حادثه گردیده ای اسیر
چون این دل شکسته اسیر بلا شده
روز زبان مادری است پاس داری اش
کندم طمع ز قاضی و مفتی کشورم
دیدم که مهره های چپاول کنار هم
چیزی نمانده است که فرو ریزد آرزو
تحصیل و کار دخترکان کوچ می کنند
این رسم حيله بازی حکام کشور است
گفتم منال ز رسم فساد پیشگان شهر
نفرین بر آن تنی که فرو بسته دیده اش
ای شاعران مکتب احساس و همدلی
"زرغون" و "وهم" "فروغ" دوزیاسرای ما
از دوستان زنده دل و دلریا پسند
حقا عزیز جان و دل بی نواستی
در گوشه گوشه های جهان در پناه ستی
درمانده در تهاجم بی انتهاستی
پارسی زبان مادر ما دلرباستی
قاضی به عدل و مفتی به منبر دغاستی
در پشت طالبان به نماز اقتداستی
یعنی حقوق زن همه در زیر پاستی
سیما و رادیو به مجازات بناستی
ظلمت برای مردم بی دست و پاستی
زیرا حساب ملت و دولت جداستی
روشن دلی حکایت مهر و وفاستی
شعر شما سخن ز دل بینواستی
تابنده باد "ظفر" که چنین کم نماستی
تا "صامدی" و "بهره" و هم "آشنا" ستی

وز "افضلی" و "احمد" و "کهسار" و از "بسیم"
 وز "کاظمی" و "نعمت ترکانی" و عزیز
 "مهجور" و "سروری" و "عنایت" سه خواهرم
 از "هاشمی" و "معروف" و "میرزائی" و "تمیم"
 فرزانه مرد خطه باستان "توکل" است
 "اشکبار" و "یعقوبی" و "رحیمی" کنار هم
 "مسکینیار" کجا و "فرحتیار" ما کجاست
 "هایل"، "مسافر" و "سفر" و "کشتیار" ما
 "عسکر"، "حفیظ" و "اختر" و "آصف" عزیزمن
 گویم دگرز "مهدی" و از "بیست و چهار" او
 از عشق و همدلی و محبت چه گویمت
 آری! «بشیر» سخن به درازا کشیده است

چون "جعفری" و "اکاکر" و هم "رهنما" سستی
 "داؤد" و "میر" و "پرتو" درد آشناستی
 هم "واهب" و "محبی" و "زهره" غناستی
 "زرگرپور" و "ندا" و "علی یار" ماستی
 "اطرافی" و "عظیمی" و "الماس" نماستی
 "نزهت"، "بصیر" و "مصلح" ماهر کجاستی
 "جویا" با "حکیمی" ما "هنوا" سستی
 "سامع" و "رنجبر" ز چه رو کم نماستی
 استاد هم سخن ز برم آن "ثنا" سستی
 سایت وزین که راوی هر ماجراستی
 روشندلی که زنده دل است با صفاستی
 "نعمت" بنازمت که چنین با وفاستی

بیست و هشتم فیروی ۲۰۱۹

تاریخ ارسال: ۰۱ مارچ - ساعت ۱:۲۷

به پاسخ شاعر شیرین کلام جناب نعمت
 الله مختار زاده سروده شد
 قیوم بشیر هروی
 بیست و هشتم فیروی 2019

الماس نما

ای دوستی که زنده به لطف خداستی
 حقاً عزیز جان و دل بی نواستی
 از سوز و ساز حادثه گردیده ای اسیر
 در گوشه گوشه های جهان در پناه سستی
 چون این دل شکسته اسیر بلا شده
 درمانده در تهاجم بی انتهایستی
 روز زبان مادری است پاس داری اش
 پارسی زبان مادر ما دلرباستی
 کندم طمع ز قاضی و مفتی کشورم
 قاضی به عدل و مفتی به منبر دعاستی
 دیدم که مهره های چپاول کنار هم
 در پشت طالبان به نماز اقتداستی

چیزی نمانده است که فرو ریزد آرزو
 یعنی حقوق زن همه در زیر پاستی
 تحصیل و کار دخترکان کوچ می کنند
 سیما و رادیو به مجازات بناستی
 این رسم حيله بازی حکام کشور است
 ظلمت برای مردم بی دست و پاستی
 گفتم مثال ز رسم فساد پیشگان شهر
 زیرا حساب ملت و دولت جداستی
 نفرین بر آن تنی که فرو بسته دیده اش
 روشندلی حکایت مهر و وفاستی
 ای شاعران مکتب احساس و همدلی
 شعر شما سخن ز دل بینواستی
 (زرغون) و هم (فروغ) دوزیبا سرای ما
 تابنده باد (ظفر) که چنین کم نماستی
 از دوستان زنده دل و دلربا پسند
 تا (صامدی) و (بهره) و هم (آشنا) سستی
 وز (افضلی) و (احمد) و (کهسار) و از (بسیم)
 چون (جعفری) و (اکاکر) و هم (رهنما) سستی
 وز (کاظمی) و (نعمت ترکانی) و (عزیز)
 (داؤد) و (میر) و (پرتو) درد آشناستی
 (مهجور) و (سروری) و (عنایت) سه خواهرم
 هم (واهب) و (محبی) و (زهره) غناستی

از (هاشمی) و (معروف) و (میرزائی) و (تمیم)
 (زرگرپور) و (ندا) و (علی یار) ماستی
 فرزانه مرد خطه باستان (توکل) است
 (اطرافی) و (عظیمی) و (الماس) نماستی
 (اشکبار) و (یعقوبی) و (رحیمی) کنار هم
 (نزهت)، (بصیر) و (مصلح) ماهر کجاستی
 (مسکینیار) کجا و (فرحتیار) ما کجاست
 (جویا) با (حکیمی) ما (هنوا) سستی
 (هایل)، (مسافر) و (سفر) و (کشتیار) ما
 (سامع) و (رنجبر) که مرا هم صداستی
 (عسکر)، (حفیظ) و (اختر) و (آصف) عزیزمن
 (مهرین) همدل و سخنش چون (ثنا) سستی
 شعر (وثوق) که حرف دل ما ادا کند
 او شاعری فرهیخته و زیبا سراستی
 روشندل است (همایون) زیبا کلام ما
 هم مهربان و صادق بی انتهایستی
 از عشق و همدلی و محبت چه گویمت
 روشندلی که زنده دل است با صفاستی
 گویم دگرز (مهدی) و از (بیست و چهار) او
 سایت وزین که راوی هر ماجراستی
 آری! «بشیر» سخن به درازا کشیده است
 (نعمت) بنازمت که چنین با وفاستی